

متن پرسش

با سلام: استاد بدون مقدمه میرم سر اصل مطلب. استاد اولاً اگر در اصفهان بجز جلساتتون گروه هم اندیشی دارید؟ لطفاً بنده معرفی کنید بخصوص درخواستم اینه یه جلسه هم اندیشی مخصوص بانوان داشته باشید. با شخص خودتون از شاگردتون می شناسم ولی اولاً به نظرم خودتون باشید مسئله بالاتر میشه در ثانی گروه خانمه باشن راستش بنده به عنوان یه خانم اینطور که رو خودم دقت کردم اولاً جلو آقایون دوماً وقتی چشمم به نامحرم می افتد با اینکه قصد ندارم فکر می کنم یه انرژی از من میره تو طرفهای مقابل و در ثانی قدرت تمرکز کم و فکر کردنم ضعیف و در نتیجه قوه عقلم رو نمیتونم به کار بگیرم اون طور که باید. گاه تصمیم به روبنده می گیرم ولی با مسئله لباس شهرت و.. روبرو میشم در صورتی که چند سال پیش که آیت الله بهجت زنده بودن از دفترشون پرسدم گفتن بزنید. راستش استاد به حمدالله از نظر معرفتی بد نیستم ولی علاقه زیاد به گروههای هم اندیشی پیرامون مسایل انقلاب دارم یکی دو بار هم تو گروه دعوت به اندیشه خانه بیاری اومدم ولی فضا که مردونه بود قدرت تمرکز کم می شد وقتی می خواستم حرف بزنم احساس خودنمایی داشتم و تهش دوست داشتم وقتی حرف می زنم چشمم بسته باشه تا نظر به درون خودم داشته باشم و حرف بزنم این رو بنده از زن بودن خودم فهمیدم ولی دیگه شما یه وقت میگرد تو اجتماع حضور داشته باشید و اینا میام، خواستم این مطلب رو بگم شاید این مطالب رو از زبان یه زن بشنوید قضیه طور دیگه بشه. ۲. مسئله دیگه اینکه گاه فکر می کنم بعد انقلاب و چند یه سیستم خیلی بزرگ و عالی که داشتیم به هم خورده و این یه جورایی خوب و یه جورایی بد بوده و اینکه اکثراً افراد حتی خیلی انقلابی ها و حتی اونها که یه زمان برای اینکه شهرشون دست دشمن تو خرمشهر و اهواز و... می جنگیدن همه به شهرها و بخصوص تهران هجوم آوردن از یه طرف شاید بگیم علت کشش وجود امام و ساختارهای دینی بود که مکان حضور آنها داشته و الان هم رهبری ادامه دهنده اش هستن ولی طرف دیگش مدرنیته شدن شدید هست که هنوز ادامه داره از یه طرف احساس می کنی باید بری مناطق محروم از یه طرف اخه من مال اوجا نیستم بتونم مناسب خودشون فرهنگ بسازم از یه طرف دیگه نیاز هست و از طرفی گاه فکر می کنم همه فرهنگ کشور رفته تهران و اگر بخوای عادلان کار فرهنگی کنی باید از اونجا کنی. یادم نمیره چند ماه پیش سری به بنیاد شهید زدم مسوول اوجا می گفتم چند وقت پیش یه دختر شهید از تهران اومده بود کلی کلاس و فن و مهارت بلد بود اون وقت مسوول پرسیده بود این کلاسها را چطور رفتی بارکلا چه زنگ بعد گفته بود همش رو تهران بودجه بنیاد رفتم و رایگان اونوقت ما اینجا اصفهان «راه دور مناطق محروم بماند» فرزند شهید هنوز تو خیلی خرجهایش مونده این رو

گفتم راهنمایی ام کنید چه کنم دائم دغدغه این چیزها اذالم می‌ده حرفم اینه به نظر شما این نوع بودجه بندی ما را به کجا می‌بره اینه که همه کوچ میکنن تهران بعدشم اروپا و. حتی دانشگاهها هم همینطور هست اول تاپ ترین رشته ها و کارآمدترین و درآمدزاترینش میره تهران و دانشگاههای تهران. آیا این ساختار باعث نمیشه همین فرهنگ سنتی هم از بین بره معذرت می‌خوام ولی گاه فکر می‌کنم سنت را از بین نبرم اسلام حاکم کردنم پیشکش. استاد اصلاً گفتم شاید یه عده باید باشن مدتی برن تهران گردی و اون ساختارهایی که ذیل شخصیت امام و رهبری بوده و هست را برن تو استان و محله و... خودشون اجرا کنن. استاد ممنون به حرفهام گوش کردید. بگید ما با این دوره گذار به قول شما چه کنیم؟ البته بنده اصل این مشکلات را هم یه موضوع میدونم و اون اینکه عدم احترام به بزرگتر بخصوص پدر و مادرها باعث میشه این هجرت ها اتفاق بیافته که البته یه عامل هست و اینکه با عدم رعایت این موضوع فرهنگ نسل قدیم به آینده منتقل نمیشه یه عامل دیگرش هم اینه که اقایون متاسفانه به رفت و آمد با خانواده همسر تمایل ندارن که ناشی از کمکاری در بحث زن هست که مردان توقع دارن همسرشون با مادر و خواهر و... اونها بسازه ولی خودشون حاضر نیستند با برادر زن و شوهر خوار همسر بسازن که اینم شاید عدم رعایت اینه که همسر شهید مطهری اوایل ازدواج در خاطراتشون میگن اومدم غیبت کنم شهید فرموده بودن خانم غیبت نکن نمیدونم گرفتید قضیه را متشکرم استاد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. این نکته‌ی آخری که فرمودید سخن بسیار دقیقی است. آری! ادب رعایت والدین ریشه‌ی بسیاری از سرگردانی‌های این نسل است و همین‌طور که می‌گویید بعضی از مردها غفلت می‌کنند که پدر و مادر همسرشان در حکم پدر و مادر خودشان هستند. ۲. جلسه‌ی هم‌اندیشی که تنها با خواهران باشد، ندارم. جلسات بنده تنها همان جلسات عمومی است که همه در جریان‌اند. در مورد رفقا هم در جریان نیستم که چنین جلساتی دارند یا نه. خوب است خود خواهران که هم‌افق هستند و امکان گفتگو در بین آنها هست، این کار را ترتیب دهند. ۳. در مورد حضور در شهرهای بزرگ و مثلاً در تهران برای رشد بیشتر، به این جمله‌ی مقام معظم رهبری فکر کنید که فرمودند جبهه‌های فکری و فرهنگی، چراغ خاموش و در سایه حرکت کنند. به نظرم اگر همین افراد بی‌نام و نشان در گوشه‌گوشه‌ی این کشور نبودند، کارهای بزرگ چشم‌پُرکن چندان نتیجه نمی‌داد. موفق باشید